

مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد



مسعود فروغی

قائم مقام مدیرمسئول

سرمقاله

اگر حتی یکبار به مجالس محرم و رمضان حاج محمود کریمی در گزارش شهدای چیدار رفته باشید، ابهت برگزاری مراسم در آن منطقه قدیمی تهران را درک می کنید، جوری که فضای منطقه وسیعی از شمیرانات را تحت تأثیر قرار می دهد. سنت برگزاری مراسم در عصر روزهای دهه اول و نوآوری های خلاقانه حاج محمود در خواندن اشعار و نوحه ها و البته برنامه ریزی فوق العاده منظم کادر اجرایی هیئت این مراسم رابیک جلسه خاص در تهران کرده است.

حاج محمود که قرار بود محرم امسال در کربلا جلسه بگیرد، تصمیم قبلی خودش را تغییر داد و دلیل این تغییر را ابراز ناراحتی مخاطبان و مستمعان عنوان کرد. روزی که در یادداشتی از تصمیم کوچ برخی مداحان به کربلا برای دهه اول محرم انتقاد کردم، فقط یک امید داشتم و آن هوشمندی فردی مثل محمود کریمی بود. همانجا نوشتم کسی که با خلاقیت و نوآوری های قابل دفاع در مقاطع گوناگون، مداح پیشرویی محسوب می شود، هر تصمیمش مثل نحوه برگزاری و مکان آن و سبک خواندن و برخورد با مردم و... مالک و معیار عموم فضای هیئت های می شود و نگرانی جمع زیادی از دلسوزان را از طریق روزنامه به گوش مداحان بزرگوار رساندم. این نگرانی با واکنش های زیادی مواجه شد. از جمله اینکه چرا دستگاه امام حسین (ع) را منحصراً به تعداد کمی مداح می کنید؟ چون قصد جدل نداشتیم جوابی ندادیم، اما تغییر در تصمیم حاج محمود نشان داد، فضای عمومی از این تصمیم ناخرسند بوده و حیف بود مراسم باشکوهی مثل گزارش شهدای چیدار تحت تأثیر قرار بگیرد. حالا با تغییر در تصمیم حاج محمود و ماندن او در تهران برای دهه اول محرم خوب است و واقعیت هایی درباره سختی طاقت فرسای هیئت های بزرگ برای برگزاری یک مراسم آبرومند را هم بنویسیم. برای یک دهه مراسم با عظمتی مثل آنچه در چیدار رخ می دهد پشتیبانی مالی بزرگی نیاز است، پولی که خیال برگزاری کننده ها از آن راحت باشد و کفاف هزینه ها را بدهد. این مسئله برای همه هیئت هایی که جمعیت چند ده هزار نفری مستمر دارند مصداق دارد. سازمان های حاکمیتی که وظیفه ذاتی آن ها حمایت و کمک به چنین جلساتی است باید پاسخگوی کم کاری های صورت گرفته باشند.

بعد از یادداشت انتقادی قبلی برخی مطلعان از بار سنگین هیئت برای امثال حاج محمود اطلاعات در دناکی دادند. اینکه در سال های اخیر با وجود بالا رفتن هزینه ها حمایت های مسئولان فلان سازمان مسئول کمتر شده، معنایی جز اخلاص در کار مراسم های بزرگ ندارد. امیدواریم حالا که محمود کریمی تصمیم قبلی را تغییر و نشان داد حرف مرد هنگام تصمیم اشتباه دوتا است، کسانی که وظیفه دارند دست هیئت های بزرگ را بگیرند به میدان بیایند.

آقایان کوتاهی کردید!



محمد زعیمزاده

سرمقاله

برداشت اولیه از ورود رهبری به ادعای آمریکایی ها درباره غنی سازی صفر، دو معنای روشن دارد. نخست آنکه برخی گمانه زنی ها که تلاش می کرد بگوید اصرار و تکلیف، رویب و سایر مقامات ایالات متحده بر پایان غنی سازی در ایران صراً تأکید رسانده ای و مصروف داخلی دارد، غلط بوده است و این موضوع به شکل جدی در دستور کار آن ها با هدف به بن بست کشاندن مذاکرات یا تحمیل توافق بد به ایران قرار دارد و دوم اینکه در سطح مقامات دولتی و غیردولتی کسی در داخل ایران هنوز پاسخ قاطع و جدی به این گرافه گویی ها نداشته که نیاز شده رهبری ورود کنند.

آمریکایی ها حداقل با ۲ هدف موضوع غنی سازی صفر را دنبال می کنند. هدف اول؛ اینکه اگر به این هدف ناقل شوند؛ رسماً یکی از مهم ترین ابراز های قدرت ایران را از بازی خارج کرده اند، غنی سازی صفر یعنی بردن ایران به نقطه مذاکرات سعدآباد و از بین بردن شمره کارهایی که برای آن ها در این سال ها هزینه داده شده و البته قدرت هم تولید کرده است. هدف دوم؛ باورپذیر کردن گزاره ایران ضعیف در افکار عمومی دنیاست. آن ها می خواهند به دنیا بگویند ایران وقتی غنی سازی صفر را بپذیرد یعنی هر شرط دیگری را هم ممکن است بپذیرد. پس چهارچوب تحلیلی ما درست است. هدف سوم؛ بازتأسی تصویر متفاوت از مذاکرات فعلی نسبت به توافق ۲۰۱۵ برای افکار عمومی آمریکا است. ترامپ می خواهد در حالی که روزی یکبار بایان را کوکن و احمق می خواند، متهم به این نشود که به همان توافق دموکرات ها با ایران بسنده کرده است. هدف چهارم؛ معتبر شدن تئوری فتح سنگر به سنگر در مواجهه با ایران است. تحمیل غنی سازی صفر یعنی باز شدن باب تحدید ایران در منطقه، صنعت دفاعی و... مذاکره کننده ارشد آمریکایی بارها اعلام کرده است مذاکره در این مرحله فقط درباره برنامه هسته ای است، اما این به معنای گسترش نیافتن مسئله به موضوعات دیگر نیست. به همین ۲ دلیل ما باید در خصوص این زیاده خواهی طرف مقابل، موضع قاطع داشته باشیم، اما آنچه تاکنون و قبل از ورود رهبری از سوی مسئولان ایرانی دیده شده، عدم توازن در پاسخگویی به این موضع است. تا اینکه کار را در ریخت رسانه و افکار عمومی مذاکرات، ۳ خطای مهم انجام داده ایم. خطای اول آنکه میدان خبری را طبق سنوالت گذشته در اختیار آکسیوس و نیویورک تایمز و باقی رسانه های غربی قرار داده ایم. دلیل این مسئله چه فقدان اعتماد به نفس باشد چه فقدان حرفه ای گری، قابل قبول نیست. مذاکراتی در حال انجام است که ۵۰ درصد آن ما هستیم، اما آیا واقعاً به همین نسبت متوانسته ایم از مجرای رسانه های داخلی مذاکره را بازمانی کنیم؟ خطای دوم که از اولی هم بدتر است، ذوق زدگی آشکاری است که در روزهای گذشته برخی رسانه های ما داشتند؛ رسانه هایی که اتفاقاً ارتباط دولتی هم دارند. در حالی که در واقعیت شاهد زورگویی های آمریکایی ها بودند، توافق را بسیار قریب الوقوع و در همین اردیبهشت ماه قابل تحقق دانستند و از آن نام سوپر ایزر اردیبهشت یاد کردند؛ رویکردی که اثرات مخرب بسیار داشت و رسماً تأکید کننده پازل طرف مقابل بود.

خطای سوم، عدم اتخاذ موضع قاطع، چهارچوب مند، مستدل و همه فهم از سوی مقامات دولتی و غیردولتی ایران بود. فقدان استقلال مدتی تئوریک و جاذبه تئوریک لازم در بیان رئیس جمهور محترم و سران قوا در این موضوع آمریکایی ها را به این خطا انداخته است که می توانند بدون هیچ هزینه ای این سخنان را به زبان بیاورند. اگر آقایان سران قوا، رؤسای جمهور ادوار، برخی نمایندگان معقول فعلی و سابق مجلس (ورود نمایندگان رادیکال هیچ کمکی در این فتره نمی کند، برخی اعضای شورای عالی امنیت ملی که هر ۴ سال یک بار سروکله شان پیدا می شود و... پاسخ درستی به این ماجرا می دادند، شرایط به گونه ای دیگر می شد.

مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد

راز مانایی محمود

علیرضا قربانی تور کنسرت جدیدش را در شهرهای تهران، شیراز، یزد، کرمان، اصفهان، اهواز، تبریز و نیشابور روی صحنه می برد

دور ایران می گردیم

«فرهیختگان» تبعات انتقال بودجه را بررسی می کند

فاجعهٔ رسوب
۴۰۰ همتی بودجه

جزئیاتی از اخراج یکی از مشهورترین مجریان ورزشی جهان به خاطر فلسطین

قربانی
فاشیسم انگلیسی

۷۹۲

۱

۱۳

۱۴

۱۲